



The Role of Spatial Planning in Geographical Defense with an Emphasis on Population

Alireza Saadat Rad

Assistant Professor, Department of Strategic Defense Sciences, Faculty of National Defense, National Defense University, Tehran, Iran

Ali Asghar Beik Biland

Associate Professor of Strategic Military Management, National Defense University, Tehran, Iran

Hamidreza Tondro

PhD Candidate in Sacred Defense Strategic Studies, (Corresponding Author)

Abstract

Attention to the characteristics of physical geography and the spatial distribution of population across a country's territory constitutes a significant component of national power. Beyond influencing regional and international dynamics, these factors also play a key role in territorial spatial planning. Effective spatial planning contributes to sustainable development and long-term security. From a defense perspective, population represents a strategic and vital element in spatial planning and national development. This study seeks to answer the question: What is the role of spatial planning in geographical defense with an emphasis on population? The research is developmental applied in purpose and adopts a descriptive-exploratory method with a mixed-methods analytical approach. Data were collected through document and literature review, as well as expert opinions obtained via interviews and focus group discussions. The findings identify key geographical defense factors with an emphasis on population, derived from spatial planning functions, and evaluate them within both national and transnational environments. The relative importance of these factors was determined using a Likert scale. Results indicate that spatial planning supports comprehensive defense by systematically examining the overall spatial characteristics of society and facilitating the balanced distribution of population and the strategic placement of cultural, social, economic, political, and military activities across the country. Furthermore, given Iran's geopolitical position, attention to spatial planning particularly in coastal regions and islands can strengthen military strategy and national defense doctrine.

Keywords: Spatial Planning, Defense, Geographical Defense, Population Comprehensive



کارکرد آمایش سرزمینی در دفاع جغرافیایی با تأکید بر جمعیت

علیرضا سعادت راد

استادیار گروه علوم دفاعی راهبردی دانشکده دفاع ملی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

علی اصغر بیک‌بیلندی

دانشیار مدیریت راهبرد نظامی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

حمیدرضا تندرو

دانشجوی دکتری مطالعات راهبردی دفاع مقدس (نویسنده مسئول)

چکیده

توجه به ویژگی‌های جغرافیای طبیعی و نحوه استقرار جمعیت در پهنای سرزمینی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم قدرت، علاوه بر تأثیر در معادلات بین‌المللی و منطقه‌ای، در چیدمان جمعیت در یک آمایش سرزمینی نیز مؤثر است. آمایش سرزمینی مناسب موجب توسعه و امنیت پایدار می‌شود. در رویکرد دفاعی نقش راهبردی و حیاتی جمعیت به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم آمایش و توسعه از امتیازی ویژه برخوردار است. این پژوهش در پی یافتن پاسخ سؤال، «کارکرد آمایش سرزمینی در دفاع جغرافیایی با تأکید بر جمعیت چیست؟» بوده است. نوع تحقیق کاربردی- توسعه‌ای با روش توصیفی-اکتشافی است و تجزیه و تحلیل به‌صورت آمیخته انجام شده است. در این تحقیق ضمن مطالعه اسناد و مقالات و همچنین اخذ نظرات و آرای خبرگان و صاحب‌نظران از طریق مصاحبه و تشکیل گروه کانون نخبگی نتایج «عوامل دفاع جغرافیایی با تأکید بر جمعیت» مبتنی بر کارکرد آمایش سرزمینی از نظر کیفی و کمی و همچنین عوامل جغرافیایی در دو محیط «ملی و فراملی» مورد ارزیابی و میزان اهمیت هر یک از عوامل با استفاده از طیف لیکرت تعیین گردید. براساس یافته‌های تحقیق، آمایش سرزمینی در دفاع همه‌جانبه با بررسی و مطالعه خصوصیات و ویژگی‌های کلی فضای جامعه، راه‌حلی مناسب برای ایجاد توزیع مناسب جمعیت و استقرار فعالیت‌های مورد نظر فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، نظامی در کشور است و برنامه‌ریزی آمایش سرزمین با تأکید بر جمعیت را می‌توان به‌عنوان راه‌حل این مشکلات در نظر گرفت. همچنین با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی ایران در منطقه، توجه به آمایش سرزمین علاوه بر مناطق داخلی، در نواحی ساحلی و جزایر باعث تقویت استراتژی نظامی و دکترین دفاعی آن می‌شود.

کلیدواژه‌ها: آمایش سرزمینی، دفاع، دفاع جغرافیایی، جمعیت

مقدمه

اصالت مفهومی «آمایش سرزمین»^۱ مبتنی بر نظم‌دهی بر فعالیت‌های بشری است. از این رو آنچه تاکنون از این مفهوم استنباط شده، این است که آمایش سرزمین وظیفه تنظیم و هماهنگ‌سازی افکار مدون در راهبردها و جهت‌گیری‌های کلی بخش‌ها و مناطق یک کشور مبتنی بر برنامه را به عهده داشته و تدوین سیاست‌های اجرایی و برنامه‌های عملیاتی توسعه بر مبنای این راهبردها به عهده بخش‌های مختلف سیاست‌گذاری و اقتصادی و اجتماعی است (یزدان‌پناه درو، ۱۳۹۷: ۷). هدف آمایش سرزمین این است که به برنامه‌ریزی، بُعدی جدید بدهد که همان نحوه توزیع و سازمان‌یابی انسان‌ها و فعالیت‌ها در سراسر سرزمین ملی است (اخباری و همکاران، ۱۴۰۰). آمایش سرزمین امروزه به عنوان یک راهکار جغرافیایی بی‌بدیل برای توسعه پایدار در کشورها تبدیل شده است. در این میان توجه ویژه به جغرافیا و ساختار جغرافیایی به عنوان یکی از ابعاد مهم قدرت ملی می‌بایست در دستور کار قرار گیرد و متولیان نسبت به آن به عنوان یک عامل بازدارنده تهدید، اهتمام جدی‌تری داشته باشند. ارزش‌های جغرافیایی که مطلوبیت سیاسی پیدا می‌کنند از ماهیت ژئوپلیتیکی برخوردار شده و در رفتار و کردار انسان‌ها به صورت گروهی یا فردی اثر می‌گذارند و الگوهای رفتاری مختلفی نظیر همکاری، همگرایی، تعامل، رقابت، ستیز، سلطه، تصرف، کنترل و نظایر آن را در بین آن‌ها می‌آفرینند (حافظ‌نیا، ۱۴۰۱: ۲۱۷).

آمایش سرزمین، زمانی می‌تواند مطلوبیت‌های مؤثری برای حوزه‌های دفاعی و استراتژیک به وجود آورد که ترکیبی از معادلات تهدیدکننده و فرصت‌زا در کنار یکدیگر قرار گیرند. زیرا امنیت به مفهوم تنظیم رابطه پویا و تغییر پاینده بین تهدیدات و فرصت‌ها است. بدون در نظر گرفتن مؤلفه‌های یاد شده و یا درک نادرست از «تهدیدات»^۲ یا «فرصت‌ها»^۳ منجر به شکل‌بندی دفاعی و امنیتی غیر مؤثری در روند تعاملات استراتژیک کشورها می‌گردد (توفیق، ۱۳۸۴).

-
1. Spatial planning (Land use planning)
 2. Threats
 3. Opportunity



در رویکرد جغرافیایی-دفاعی نقش راهبردی و حیاتی «جمعیت» به عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم توسعه و برنامه‌ریزی آمایشی و دفاعی از امتیازی ویژه برخوردار است، به همین دلیل محقق در این پژوهش به دنبال شناسایی کارکرد آمایش سرزمینی در دفاع جغرافیایی با تأکید بر جمعیت است.

یکی از نکات مهم آمایش سرزمینی در ایران توجه به تهدیدهای همه‌جانبه آینده بوده و مطابق آن، رویکرد آمایش سرزمینی بیشتر توسعه محور است و به همین دلیل یکی از موارد مهمی که در آمایش سرزمینی آتی باید مد نظر قرار گیرد هم‌زمانی توسعه و امنیت در طرح‌های آمایشی با رویکرد اقتصادی-جغرافیایی و دفاعی است.

جمهوری اسلامی ایران علاوه بر شرایط خوب و ایدئال جغرافیایی که در سطح ملی و موقعیت مهم استراتژیکی و ژئوپلیتیکی در سطح منطقه و بین‌المللی دارد، هنوز نتوانسته نسبت به توزیع و استقرار جمعیت در اماکن متنوع آن از جمله جزایر راهبردی، سواحل جنوبی و جنوب شرقی و مناطق مستعد کم‌تراکم به‌ویژه در مناطق مرزی اقدامات مهم و اساسی خوبی صورت دهد. با توجه به طولانی‌ترین مرزها و تنوع جغرافیایی، قرار گرفتن نیمی از استان‌های ایران در مناطق مرزی، تعدد و تنوع کشورهای همسایه (۱۵ کشور)، تراکم کم جمعیت، وجود قومیت‌های متنوع، فقدان نظام برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری هماهنگ و کارآمد در مناطق مرزی (عزتی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۴۹) و نیز جایگاه ویژه ایران در نظریه‌های ژئوپلیتیکی، به نظر می‌رسد آمایش مناطق مرزی در ایران دارای پیشینه‌های قابل قبولی باشد. بر همین اساس توجه نداشتن به «کارکرد آمایش سرزمین در دفاع جغرافیایی با تأکید بر جمعیت»، از لحاظ سلبی (کارکردها)، پیامدهایی همچون کم‌توجهی به مسائل زیست‌محیطی و ضرورت بهره‌برداری بهینه از منابع طبیعی و اقتصادی با رویکرد آمایش سرزمینی، نداشتن تعادل در ساماندهی نظام اسکان جمعیت و بهبود سازمان‌دهی سلسله‌مراتبی مراکز شهری و روستایی، کم‌توجهی به سمت تهدید و نوع تهدید و همچنین توزیع نامناسب جمعیت در کشور و کم‌توجهی به اصول و ملاحظات دفاعی-امنیتی، را به همراه دارد (مطالعات گروهی دعا، ۱۴۰۲: کارکرد آمایش سرزمینی در دفاع همه‌جانبه با تأکید بر جمعیت). بنابراین در این تحقیق تلاش خواهیم

کرد تا «عوامل دفاع جغرافیایی با تأکید بر جمعیت» در دو محیط «ملی» و «فراملی» در آمایش سرزمینی مورد بررسی قرار گرفته و پاسخ مناسبی برای سؤال «کارکرد آمایش سرزمینی در دفاع جغرافیایی با تأکید بر جمعیت سرزمینی کدامند؟» بیابیم.

۱. پیشینه پژوهش

در بررسی و مطالعه پژوهش‌های انجام‌شده که به موضوع تحقیق نزدیک بودند موارد ذیل احصا گردید:

صابر رهبری و زهرا خدایی در مقاله خود (۱۳۹۹) با عنوان: «موانع و چالش‌های سرزمینی ایران»، که در اولین کنفرانس بین‌المللی معماری، عمران، محیط‌زیست و کشاورزی مطرح شد، به نتایجی از قبیل این‌که: آمایش سرزمینی مبنای طرح‌ها و برنامه‌های جامع توسعه بوده و پیونددهنده برنامه‌ریزی‌های اقتصادی، اجتماعی و فضایی یا مجموعه آنان در قالب برنامه‌ریزی جامع در مقیاس ملی و منطقه‌ای است، دست یافته‌اند. همچنین، رفع عدم تعادل‌ها و استفاده از قابلیت‌های سرزمینی یا به عبارت دیگر دستیابی به توسعه فضایی را یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های نظام برنامه‌ریزی کشور دانسته که در همین راستا، آمایش سرزمین را به عنوان سازمان‌دهی مطلوبی به فضا در جهت نیل به اهداف و استراتژی‌های توسعه ملی متوازن نام برده‌اند.

کیومرث یزدان‌پناه درو (۱۳۹۷)، در مقاله خود با عنوان «نقش تطبیقی آمایش سرزمین در تبیین رابطه جغرافیا با توسعه: با تأکید بر نواحی خاص مرزی، ساحلی جنوب ایران» به این نتیجه رسیده است که: برنامه‌ریزی منطقه‌ای از نظر جغرافیا و فضا، وجوه مشترک فراوانی با آمایش سرزمین و نظام برنامه‌ریزی مبتنی بر این الگو دارد و در این خصوص تجارب جهانی حاصل‌شده هم حکایت از این واقعیت دارد. همچنین مناطق ساحلی و خشکی ایران در مناطق جنوبی و شرقی از نظر کارکردهای جغرافیایی از ظرفیت‌های فراوانی نسبت به همسایگان جنوبی برخوردار است. ولی فقدان راهکار آمایشی و سلطه نفوذ در مرکز قدرت تصمیم‌سازی‌های سیاسی غیر آمایشی، فرصت‌ها را تبدیل به تهدید می‌نماید. مناطق جنوبی



ایران در سرفصل جغرافیایی کاربردی ایران می‌گنجند و نیاز به یک برنامه بلندمدت ۱۵ الی ۲۰ ساله به صورت نقطه به نقطه دارند و اگر این اتفاق بیافتد توسعه خطی ساحل به خشکی در خلیج فارس معنا پیدا می‌کنند و این مستلزم اجرای نظام آمایش ساحلی است.

اسماعیل نصیری و آمنه حکیم‌زاده (۱۳۹۶)، در مقاله خود با عنوان «ارزیابی جایگاه آمایش سرزمین ایران، موانع پیش‌رو و راهبردهای عملی»، که در اولین همایش اندیشه‌ها و فناوری‌های نوین در علوم جغرافیایی، زنجان، گروه جغرافیایی دانشگاه زنجان مطرح شد به این نتیجه رسیده‌اند که: ایران دارای حدود بیش از شش دهه سابقه رسمی در برنامه‌ریزی عمرانی است و برنامه‌ریزی در این مدت تحت تأثیر شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، همواره با دگرگونی‌هایی همراه بوده و فراز و نشیب‌های بسیار زیادی داشته است. در تمام این برنامه‌ها، به مقوله استفاده متناسب از منابع طبیعی و انسانی مناطق مختلف کشور با عناوینی مانند: «طرح جامع مطالعات توسعه اقتصادی، اجتماعی کشور»، «طرح آمایش سرزمین، مطالعات برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای»، «استراتژی کلی درازمدت آمایش سرزمین» و ... اشاره شده است؛ اما تقریباً بخش چشمگیری از این برنامه‌ها با موانع و چالش‌هایی مواجه بوده‌اند که گاه این برنامه‌ها را از هدف اصلی خود دورنگه داشته است. لذا برای عملی شدن این راهبردها، آسیب‌شناسی طرح‌های آمایش سرزمین، چه در مرحله تهیه چه در مرحله اجرا و نظارت به محقق شدن اهداف برنامه‌های توسعه بسیار کمک می‌کند. همچنین دستیابی به الگویی بهینه از تقسیم کار تخصصی بین مناطق، اصلاح نظام سکونت‌گاهی، بازنگری در اهداف و سیاست‌های فضایی توسعه ملی متناسب با تحولات بیرونی و تعامل و استفاده مطلوب از این تحولات و ایجاد سازوکارهای ارزیابی و نظارت بر تحولات توسعه فضایی کشور و ... از جمله مهم‌ترین مواردی هستند که در سیاست‌ها و اقدام‌های آمایش سرزمین مورد توجه بایستی قرار گیرند.

علی سعیدی و بشیر کلاری (۱۳۹۳) در مقاله خود با عنوان «ملاحظات دفاعی امنیتی در آمایش مناطق مرزی مطالعه موردی (جزایر هرمز، هنگام و لارک)»، که در فصلنامه جغرافیای نظامی و امنیتی منتشر شد، به این نتایج دست یافته‌اند که: افزایش ضریب امنیتی با توسعه،

ساخت و ایمن سازی تأسیسات زیر بنایی، تفرقه پایگاه ها و شناورهای دریایی، استفاده از منابع طبیعی و جغرافیایی در سواحل، دو سویه بودن نگاه به توسعه پایدار مناطق مرزی که در چارچوب آمایش مناطق مرزی صورت می گیرد، ایجاد، ساخت و ایمن سازی تأسیسات زیربنایی در مناطق ساحلی تنگه هرمز و این جزایر در مقابل تهدیدات، لزوم طراحی، ساخت و تجهیز تأسیسات مربوطه در این جزایر به نحوی که با حداقل امکانات، حداکثر مقاومت در زمان بحران را داشته باشد و ... در آمایش جزایر (هرمز، هنگام و لارک) با توجه به ملاحظات دفاعی و امنیتی ضروری است.

فریبا زمانی (۱۳۸۸) در مقاله اش با عنوان «اهمیت جمعیت شناسی در برنامه ریزی های آمایش سرزمین (با تأکید بر مطالعه مهاجرت های استانی)» که در شماره ۶۹ و ۷۰ فصلنامه جمعیت منتشر شد، به نتایج زیر دست یافته است؛ توزیع تصادفی فرصت ها، امکانات و منابع در پهنه مناطق و تشدید ناموزونی های توسعه در سطح منطقه ای و در نهایت در سطح توسعه پایدار به دلیل مورد توجه قرار نگرفتن سند آمایش سرزمین و برنامه ریزی فضایی بر مبنای آمایش سرزمین یا تقسیم کار منطقه ای بین نواحی و در پی آن بی توجهی و غفلت از امکانات، فرصت ها و ظرفیت ها، که محدودیت ها و تنگناهایی را بدون در نظر گرفتن نیازهای منطقه ای، در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به همراه دارد.

پیشینه ها هر چند با تحقیق حاضر در ارتباط هستند و در موضوع آمایش سرزمینی و دفاع جغرافیایی تشابهاتی را به همراه دارد ولی متغیرهای این موضوع را مورد بررسی قرار نداده و هیچ یک از آن ها به شناسایی «عوامل دفاع جغرافیایی با تأکید بر جمعیت» نپرداخته است. تحقیق حاضر ضمن شناسایی عوامل دفاع جغرافیایی با تأکید بر جمعیت، به الگوی راهبردی و در سطح کلان در خصوص آمایش دفاع سرزمینی کشور جمهوری اسلامی ایران در برابر تهدیدات جغرافیای طبیعی پرداخته و نوآوری تحقیق شامل: برقراری ارتباط بین آمایش سرزمینی و دفاع جغرافیایی و شناسایی عوامل دفاع جغرافیایی با تأکید بر جمعیت است.



۲. مفهوم‌شناسی

آمایش سرزمینی: توزیع متوازن و هماهنگ جغرافیایی کلیه فعالیت‌های اقتصادی-اجتماعی در پهنه سرزمین نسبت به قابلیت‌ها و منابع طبیعی و انسانی را آمایش سرزمین می‌گویند. (مطالعات گروهی دعا «کارکرد آمایش سرزمینی در دفاع همه‌جانبه با تأکید بر جمعیت»، ۱۴۰۲: ۲۲). همچنین آمایش سرزمین به‌عنوان طرح و برنامه‌ای راهبردی، مهم‌ترین و پایه‌ترین جهت‌گیری توسعه بلندمدت به منظور بازشناسی و بازنمایی‌ها و ایجاد تعامل مطلوب بین عناصر سه‌گانه انسان، فضا، فعالیت و چگونگی چیدمان منطقی و ممکن آن بر سرزمین است (توفیق، ۱۳۸۴: ۱۴).

دفاع: همان تدابیری است که برای مقاومت در مقابل حملات سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی، روانی و یا فناوری دشمن یا دشمنان اتخاذ می‌شود (کیانی، ۱۳۹۹: ۱۷).

دفاع همه‌جانبه: آماده‌سازی و به‌کارگیری همه سرمایه‌های انسانی، امکانات مادی و معنوی به‌منظور پیشگیری و مقابله با هر نوع تهدید و تهاجم دشمنان خارجی و داخلی (شمس دولت‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۸).

جغرافیا^۱: جغرافیا علم بررسی عوارض کره زمین، اوضاع طبیعی و سیاسی کشورها و چگونگی زندگی اقوام و ملل و سایر موجودات است (فرهنگ عمید). جغرافیا علم مطالعه فضای سه‌بعدی به‌عنوان زیستگاه سازه‌های انسانی و ابنای بشر در مقیاس‌های مختلف محلی تا فراسیاره‌ای است که به‌مثابه سیستمی برخوردار از ساختار و کارکرد، مرکب از عناصر طبیعی، انسانی و مصنوعی درهم‌تنیده و مرتبط با هم تشکیل می‌شود (حافظ‌نیا، ۱۴۰۱: ۲۱۶). جغرافیای انسانی: شاخه‌ای از علم جغرافیا که به بررسی پراکندگی جوامع انسانی، نظام سیاسی و فعالیت اقتصادی آن‌ها می‌پردازد.

جغرافیای طبیعی: شاخه‌ای از علم جغرافیا که به بررسی پدیده‌های طبیعی مانند؛ دریاها، رودها، کوه‌ها و سنگ‌ها می‌پردازد (مطالعات گروهی دعا «کارکرد آمایش سرزمینی در دفاع

همه‌جانبه با تأکید بر جمعیت»، ۱۴۰۲: ۳۶). جغرافیای سیاسی: روابط متقابل بین جغرافیا و سیاست و پدیده‌های ناشی از آن را مورد مطالعه قرار می‌دهد (حافظ‌نیا، ۱۳۹۳: ۲). جغرافیای نظامی: یکی از شاخه‌های علوم جغرافیایی است که اثرات عوامل طبیعی، فرهنگی (انسانی) و زیست‌محیطی را بر سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌های نظامی و عملیات رزمی و پشتیبانی در سطح‌های جهانی، منطقه‌ای و محلی و به‌طور کلی تأثیر عوامل جغرافیایی در حرکت‌های نظامی را بررسی می‌کند و از سوی دیگر بخشی از علوم نظامی است که با ویژگی‌های محیط و منطقه عملیات در ارتباط است و به‌کارگیری روش تجزیه و تحلیل جغرافیایی، برای مسائل نظامی را دربر می‌گیرد (صفوی، ۱۳۸۷: ۴۷).

دفاع جغرافیایی: تدابیری است که برای مقاومت زیستگاه‌های انسانی، اقوام و ملل، وضعیت طبیعی و سیاسی کشور در مقابل حملات سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی، روانی و یا فناوری دشمن یا دشمنان اتخاذ می‌شود (کانون خبرگی، مطالعات گروهی دعا، ۱۴۰۲).

جمعیت: به کلیه کسانی که به‌طور مستمر در یک واحد جغرافیایی (کشور، استان، شهرستان، شهر یا روستا) به‌صورت خانوار و خانواده زندگی می‌کنند، جمعیت گفته می‌شود (تقوی، ۱۳۸۸: ۳).

۳. روش‌شناسی

این پژوهش از نوع کاربردی-توسعه‌ای و از نظر ماهیت توصیفی-اکتشافی بوده و با تکیه بر روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی و مطالعه اسناد و مدارک و مصاحبه تخصصی با خبرگان مرتبط با حوزه آمایش سرزمینی و جغرافیای طبیعی انجام شد. روش تجزیه و تحلیل در این پژوهش کیفی و کمی است که ضمن مطالعه اسناد و مقالات و همچنین اخذ نظرات و آرای خبرگان و صاحب‌نظران از طریق مصاحبه با سؤالات نیمه‌ساختاریافته شاخص‌های هر مؤلفه احصا و درنهایت در این تحقیق تمامی سؤالات اصلی و فرعی مورد تجزیه و تحلیل و تفسیر قرار گرفته و نتایج در گروه کانونی مورد غنی‌سازی و فشرده‌سازی شده است. با توجه به تخصصی بودن موضوع تحقیق و محدودیت وجود صاحب‌نظران، خبرگان و کارشناسان



متخصص در حوزه آمایش سرزمینی، جغرافیای طبیعی و جمعیتی در سطح نیروهای مسلح و دستگاه‌های کشوری و مراکز دانشگاهی، جامعه خبرگی برای مصاحبه با ویژگی‌های زیر به تعداد ۳۰ نفر تعیین شده است:

- ❖ دارای سابقه خدمت در مشاغل راهبردی و سطوح عالی؛
- ❖ دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد به بالا و با سابقه پژوهشی و آموزشی؛
- ❖ انجام کار مطالعاتی در حوزه آمایش سرزمینی و دفاع همه‌جانبه (جامعه خبرگی)؛
- ❖ داشتن اشرافیت با موضوعات راهبردی مرتبط با جنگ، تهدید، ژئوپلیتیک و جغرافیا.

۴. محیط‌شناسی

موقعیت جغرافیایی هر کشور با سیاست خارجی آن پیوند خورده است. ملت‌های آسیب‌پذیر معمولاً از موقعیت حائل بین قدرت‌های بزرگ‌تر برخوردارند. ایران در تاریخ دو قرن اخیر خود بین دو قدرت بحری و بری (انگلیس و آمریکا از سوی جنوب و شوروی از سوی شمال) واقع شده بود، برهمین اساس به صورت صحنه رقابت‌های سیاسی قدرت‌های مزبور درآمده بود، به طوری که تاریخ سیاسی معاصر کشور ایران، محصول کنش‌های سیاسی داخلی و خارجی که عمدتاً متأثر از موقعیت جغرافیایی آن بوده است (حافظ‌نیا، ۱۴۰۱: ۳۲۴).

الف: موقعیت جغرافیایی ایران در محیط فراملی: ایران کشوری پهناور در خاورمیانه و از حساس‌ترین کشورهای منطقه در نظام بین‌المللی است. موقعیت جغرافیایی ایران ترکیبی از موقعیت‌های چندگانه گذرگاهی، حائل، ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئواستراتژیکی است. ترکیب موقعیت‌های فوق، وضعیتی ممتاز، حساس و درعین‌حال خطرناک را ایجاد کرده است. این وضعیت از یک سو متضمن امنیت، ثبات و توسعه اقتصادی است و از طرف دیگر دربردارنده ناامنی، بی‌ثباتی و عقیم‌گذاشتن فرصت‌ها و ظرفیت‌ها است (نوذری، ۱۳۹۶: ۱۷۳). ایران طولانی‌ترین و مناسب‌ترین سواحل را در کرانه شمالی خلیج فارس دارد و پل ارتباطی سه قاره آسیا، آفریقا و اروپاست و از موقعیت ارتباطی مناسب در سطح منطقه و جهان برخوردار است. بنابراین هر نوع واقعه‌ای که در این قاره‌ها رخ می‌دهد و یا روابط سیاسی،

نظامی، اقتصادی و فرهنگی بین این سه قاره به گونه‌ای بر ایران تأثیر خواهد گذاشت (حسن پور، ۱۴۰۱: ۷۸). اهمیت ژئوپلیتیک خلیج فارس در جنوب ایران نیز به خاطر سه عامل موقعیت راهبردی، بازار صدور کالا و تجهیزات نظامی و وجود ذخایر نفت و گاز است. گذرگاه هرمز، علاوه بر نقش نظامی پراهمیتی که دارد، با پیدایش استراتژی انرژی، در ژئوپلیتیک نفت، به مهره بدون جایگزین تبدیل شده است. همچنین جزایر واقع در خلیج فارس به خصوص جزایر سه گانه تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی که به طور کلی در اختیار ایران است (عزتی، ۱۳۹۷: ۱۷۷). ایران علاوه بر دسترسی به آب‌های آزاد از جنوب، از شمال نیز به دریاچه مازندران راه دارد که این دریاچه هم از طریق کانال وُلگا-دُن با آب‌های آزاد مرتبط است. این راه‌آبی از نظر حمل و نقل دارای محدودیت‌های خاص خود و از نظر سیاسی در محدوده فدراسیون روسیه قرار دارد و عبور از آن مستلزم هماهنگی سیاسی و پرداخت عوارض عبوری است. ایران به همراه چین و پس از جمهوری فدراتیو روسیه، رکورددار تعداد همسایه در جهان است. کشورهای اطراف ایران در شمار دولت ملت‌های بسیار ناپایدار تا ناپایدارند (سلیمانی سوادکوهی، ۱۳۹۷: ۱۰۸).

کشور ایران سومین کشور پهناور آسیای جنوب غربی و دارای عمق راهبردی است. وسعت نسبتاً زیاد و شکل خاص سرزمین ایران موجب گردیده انواع شکل‌های مختلف در مرزهای مشترک با همسایه‌ها (مرزهای محدب، مقعر، آب‌خاکی) وجود داشته باشد. ایران در تقسیم‌بندی هندسی کشورها، از جمله کشورهای دایره‌ای است که نقش فوق‌العاده‌ای در سرنوشت سیاسی و کیفیت اعمال قدرت مرکزی در پهنه کشور دارد. از طرفی در توزیع و تراکم جمعیت به منظور کیفی بخشی آن برای تولید در صنایع و کشاورزی مناسب به نظر می‌رسد و می‌تواند در مقابل حملات احتمالی ساده‌تر مقاومت کند (حسن پور، ۱۴۰۱: ۹۸).

ب: موقعیت جغرافیایی ایران در محیط ملی: کشور ایران (هجدهمین کشور جهان از نظر وسعت) در نیمه جنوبی منطقه معتدل شمالی است. حدود ۹۰ درصد از خاک کشور در محدوده فلات ایران واقع شده است. سرزمین ایران به طور کلی کوهستانی و نیمه خشک بوده و میانگین ارتفاع آن بیش از ۱۲۰۰ متر از سطح دریاست. بیش از نیمی از مساحت کشور را



کوه‌ها و ارتفاعات، یک‌چهارم آن را دشت‌ها و کمتر از یک‌چهارم دیگر آن را نیز زمین‌های در دست‌کشت تشکیل می‌دهند. پست‌ترین نقطه داخلی با ارتفاع ۵۶ متر در «چاله لوت» و بلندترین آن «قله دماوند» با ارتفاع ۵۶۱۰ متر در میان رشته‌کوه البرز قرار دارد. فلات داخلی ایران بخشی از سرزمین‌های داخلی کشور است که شبکه آب‌های آن به دریا‌های آزاد راه نداشته و به حوضه‌های بسته و گودال‌های داخلی می‌ریزند. فلات داخلی ایران از نظر ترتیب ناهمواری‌ها توسط کوه‌ها و برجستگی‌های منفردی از یکدیگر جدا شده و به حوضه‌های بسته‌ای تقسیم می‌شود. این شکل از تیپ ناهمواری و چگونگی پیدایش آن قابلیت زراعی بسیاری از حوضه‌های بسته داخلی را کاهش داده و فعالیت‌های کشاورزی را فقط به دشت‌های پای کوهی محدود می‌سازد (مطالعات گروهی داغا «کارکرد آمایش سرزمینی در دفاع همه‌جانبه با تأکید بر جمعیت»، ۱۴۰۲: ۷۲).

ناهمواری‌های کوهستانی ایران شامل سیستم‌های کوهستانی البرز و زاگرس و کوه‌های شرقی ایران هستند. سیستم کوهستانی البرز هرچند که از نظر زمین‌شناسی به واحدهای متعددی تقسیم می‌شود؛ اما از نظر هیدروژئوگرافی (آب‌نگاری) از دو بخش آبریز فلات داخلی و آبریز دریای خزر تشکیل شده است. به دلیل مشکلات ارتباطی و فقدان زمین‌های کشاورزی که فقط به محدوده کناری رودخانه‌ها یا دامنه‌های کم شیب محدود می‌شود شهرنشینی در نواحی کوهستانی البرز هنوز به شکل طبیعی تکوین نیافته است و فقط به مراکز کوچکی که برخی خدمات شهری را به عهده دارند محدود می‌گردد و مراکز سکونت‌گاهی پایدار فقط در دره‌ها قرار دارند. برخلاف دامنه‌های جنوبی، دامنه‌های شمالی البرز یعنی آن بخش که متوجه دریای خزر است، پوشیده از گیاه بوده و باوجود شیب تند دامنه‌ها بازهم رویش گیاهی خود را دارا هستند و از دخل و تصرف شدید انسانی به‌دور نگه‌داشته شده‌اند. سیستم کوهستانی زاگرس نیز از نظر هیدروژئوگرافی خصوصیتی نظیر البرز را دارد. زاگرس غربی به دلیل دریافت بارش بیشتر از پوشش گیاهی غنی‌تری برخوردار است، جبهه شرقی زاگرس به نسبت خشک‌تر بوده ولی به دلیل دارا بودن ارتفاع زیاد و پوشیده بودن از برف منبع تغذیه آب‌های سطحی و زیرزمینی و دامنه‌های آن چراگاه‌های تابستانی قابل توجهی دارد. کوه‌های

زاگرس به دلیل خصوصیات ساختمانی رشته‌رشته‌ای خود از دره‌های تنگ و باریک زیادی تشکیل شده است. نواحی شرقی ایران به دلیل حاشیه‌ای خود هرچند که از توان‌های اقتصاد معدنی و حتی کشاورزی قابل توجهی برخوردار است جزو نقاط محروم و غیرفعال کشور محسوب می‌گردد. کانون‌های شهری فقط در نقاطی شکل گرفته‌اند که از پس‌کرانه زراعی نسبتاً وسیعی برخوردار بودند.

حدود ۵۵ درصد سطح ایران را کوه فراگرفته و ۴۵ درصد آن را جلگه‌ها و دشت‌های پهناور و دریاچه‌ها و بیابان‌ها و نمکزارهای متعدد زیرپوشش قرار داده‌اند. آب‌وهوای کوهستان دارای مشخصاتی است که تابع هیچ قانونی نیست. تغییرات شدید درجه حرارت، بادهای، فقدان محل برای استقرار واحدها و غیره همگی مستلزم احتیاط است. چنان‌که مرز بین دو کشور را ارتفاعات تشکیل دهند تفوق با کشوری است که قله مرتفع‌تر را در اختیار دارد، زیرا در چنین صورتی بر معابر موجود در آن ناحیه مسلط خواهد بود (عزتی، ۱۳۷۳: ۲۶).

ناهمواری‌های تیپ ساحلی در دو بخش شمال و جنوب کشور قرار دارند. ساختمان زمین‌شناسی، جنس خاک و هیدروژئوگرافی آن‌ها به شدت متأثر از کوه‌های مجاور آن‌هاست. رودخانه‌هایی که در این زمین‌های ساحلی جریان دارند بیشتر از کوه‌های مجاور سرچشمه می‌گیرند. جلگه‌های گیلان و جلگه‌های غربی و شرقی از پرتراکم‌ترین کانون‌های جمعیتی ایران محسوب می‌شوند. (مطالعات گروهی دعا «کارکرد آمایش سرزمینی در دفاع همه‌جانبه با تأکید بر جمعیت»، ۱۴۰۲: ۷۵).

مهم‌ترین واحد جغرافیایی و ناهمواری ساحلی جنوب چه از نظر وسعت و چه ارزش اقتصادی، جلگه خوزستان است. دومین واحد ناهمواری ساحلی در جنوب کشور و در حاشیه خلیج فارس زمین‌های واقع در فاصله رود زهره تا بندرعباس است. برخلاف خوزستان زمین‌های واقع در این قسمت فاقد قابلیت چشمگیر کشاورزی است. از همین رو تراکم فعالیت‌های انسانی در این بخش از دیگر زمین‌های ساحلی کمتر است.

دو کانون سیاسی اقتصادی واقع در این محور یعنی بوشهر و بندرعباس براساس تقویت‌های ناشی از اقتصاد تزریقی (مرکز استان) و به دنبال آن اهمیت یافتن نقش بندرگاهی

در راستای یک کانون فعال در حرکت‌اند. سومین واحد ناهمواری ساحلی کشور که چه از نظر سیاست ناحیه‌ای و چه از نظر بازرگانی خارجی اهمیت دارد، «سواحل مکران» از بندرعباس تا خلیج گواتر است و از نظر بندرگاهی، اقتصادی و نظامی در بهترین موقعیت استراتژیکی قرار دارد. از نظر جغرافیایی سواحل جنوبی ایران بدون توجه به عوامل محدودکننده آب‌وهوایی به دلایل متعدد سیاسی فضایی اقتصادی از محورهای مهم فعالیت در سیاست اجرایی کشور می‌تواند به شمار آید. براساس طبقه‌بندی اقلیمی جهان که توسط «کوپن» انجام گرفته است، ایران در منطقه اقلیمی خشک و اقلیم بیابانی قرار دارد. آب‌وهوای ایران مانند آب‌وهوای بیشتر کشورهای جهان تحت تأثیر عوامل اقلیمی مانند دوری و نزدیکی به دریا، ارتفاع، عرض جغرافیایی و دیگر ویژگی‌های و عناصر اقلیمی از قبیل دما بارش میزان رطوبت، فشار هوا و باد است. شرایط طبیعی ایران به گونه‌ای است که در منطقه بین نواحی استوایی و معتدله قرار دارد. عوامل مؤثر بر توزیع و پراکندگی جمعیت ایران به شرح ذیل است: عوامل طبیعی، اقلیم، عرض جغرافیایی منابع آبی، اثر توپوگرافی و شکل زمین، نقش منابع معدنی و انرژی‌زا، عوامل جغرافیای انسانی.



شکل ۱: توزیع جغرافیایی جمعیت در ایران (سازمان آمار ایران، دوم شهریورماه ۱۳۹۵)

۵. مبانی جغرافیایی قدرت ملی

سرچشمه‌ها و پایه‌های قدرت ملی از عوامل مختلفی تشکیل می‌شود. بخشی از عوامل و سرچشمه‌های قدرت از ماهیت جغرافیایی برخوردارند. از همه مهم‌تر اینکه خصائص جغرافیایی غالباً نقش بنیادین را در شکل‌گیری سایر عناصر قدرت نظیر قدرت اقتصادی، سیاسی و نظامی بازی می‌کنند. از این رو از اهمیت خاصی در بررسی و تحلیل قدرت ملی یک کشور برخوردارند. برخی تا آنجا پیش می‌روند که نه تنها عوامل جغرافیایی را که در تولید قدرت به شکل مستقیم یا غیرمستقیم مؤثرند مورد توجه قرار می‌دهند، بلکه بازتاب‌ها و تأثیرات قدرت را بر فضا نیز مورد مطالعه قرار می‌دهند. بر همین اساس جغرافیا را علمی که درباره قدرت بحث می‌کند می‌دانند. آن‌ها جغرافیا را تنها محصول طبیعت نمی‌دانند بلکه آن را حاصل کشمکش تاریخی بین قدرتمندان می‌دانند که از قدرت برای سازمان‌دهی، اشغال، کنترل و اداره فضا بهره‌برداری می‌کنند. با ملاحظه الگوهای مختلفی که از سوی صاحب‌نظران و دانشمندان مختلف درباره عوامل متغیرهای تأثیرگذار بر قدرت ملی ارائه شده است، به‌طور مشخص بر موارد زیر در ارتباط با جغرافیا تأکید شده است:

۱. موقعیت جغرافیایی شامل: موقعیت استراتژیکی، موقعیت ژئوپلیتیکی و همسایگان، موقعیت ارتباطی، موقعیت اقلیمی و ...؛
۲. وسعت، شکل، کیفیت فضا، توپوگرافی، عوارض درونی و پیرامونی کشور؛
۳. بنیادهای زیستی شامل: آب، خاک، پوشش گیاهی و سایر منابع زیستی و غذایی؛
۴. منابع زیرزمینی شامل: منابع انرژی و منابع معدنی اعم از استراتژیک و غیراستراتژیک؛
۵. جمعیت و ملت، وضع کمی و کیفی، پراکندگی و نیروی انسانی (حافظ‌نیا، ۱۴۰۱: ۳۲۴).



۶. جایگاه جمعیت در اقتدار ملی و دفاع همه‌جانبه

اصولاً قدرت ملی متأثر از «جمعیت» است. چه از لحاظ کمی و چه از لحاظ کیفی. ولی امروز مسئله «کیفیت» نقش اساسی را بازی می‌کند. چنانچه در مباحث ژئوپلیتیک مدام به این نکته اشاره داریم که در بین عوامل مؤثر در تفکرات ژئوپلیتیک مهم‌ترین عامل «انسان» است، انسان کیفی که از مهارت عینی و ذهنی برخوردار باشد. البته ما نمی‌خواهیم به‌طور کلی جمعیت را از لحاظ کمی نفی نماییم، بلکه نکته مهم آهنگ رشد جمعیت است که بیانگر قدرت ملی است (عزتی، ۱۳۸۶: ۲۷). بنابراین تنها جمعیتی عامل اقتدار و امنیت منطقه محسوب می‌شود که ساخت و ترکیب و توزیع مناسب و جوان و سرمایه انسانی مناسب و پویا داشته باشد (علی‌ی، ۱۳۹۴: ۱۱۲).

برخی دیگر از مؤلفه‌های جمعیتی در ساختار جغرافیایی عبارتند از:

۱. بُعد کمی جمعیت: هرچند جمعیت زیاد به‌نوبه خود می‌تواند موجبات ضعف یک کشور را فراهم کند و از سویی دیگر پیشرفت‌های تکنولوژیک در عرصه جنگ‌ها توانسته است نقش جمعیت را در دفاع کاهش دهد، ولی همچنان کشورهای پرجمعیت جزو کشورهای قدرتمند جهان شناخته می‌شوند. به‌عبارتی به جمعیت زیاد در کنار سایر عوامل به‌عنوان عامل قدرت نگریسته می‌شود. در جنگ‌های مدرن تعداد افراد جمعیت کشور نه‌تنها از جنبه تولید نیروی نظامی متشکل و فعال اهمیت دارد بلکه به‌عنوان پشتیبان نیروهای نظامی و تکیه‌گاه قدرتمند ارتش ملی در دفاع از خانه و کاشانه، تجهیز ارتش و تغذیه آن و بسیج ملت اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. برهمن اساس دولت‌ها علاقه‌مند هستند تا از افزایش نسبی جمعیت، گروه‌بندی سنی، میزان باروری خالص، نسبت واقعی تولد به متولدین مورد انتظار برای حفاظت از پایداری جمعیت کشور مراقبت نمایند و تحولات کمی جمعیت کشور خود را مدیریت کنند (حافظ‌نیا، ۱۴۰۱: ۲۴۱).

۲. ساختار سنی جمعیت (ترکیب جمعیت): معمولاً ساختار سنی جمعیت در سه گروه جمعیت کمتر از ۱۵ سال، جمعیت بین ۱۵ تا ۶۴ سال و جمعیت ۶۵ سال و بیشتر مورد

بررسی قرار می‌گیرد. بی‌تردید میانگین سنی جمعیت بین ۱۵ تا ۶۴ سال، بهترین کارایی را برای کشور به‌همراه دارند. بخش مهمی از فعالیت‌های اقتصادی کشور توسط این گروه سنی انجام می‌شود و بیشترین افراد در گروه‌های سنی ۱۵ تا ۶۴ سال، نتایج بسیار خوبی را برای تولید قدرت ملی کشور ارائه می‌دهند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۵۵).

۳. میزان باسوادی: هر چه که انسان‌ها از مهارت و تخصص بیشتری برخوردار باشند، اهداف بلندتری را دنبال خواهند کرد و می‌توانند منابع قدرت کشور باشند. وجود این افراد خبره و کارآمد در زمینه اقتصادی، به رشد و پیشرفت کشور کمک شایانی خواهد کرد.

۴. وضعیت فعالیت و اشتغال: اشتغال در بخش‌های کلان اقتصادی از جمله؛ کشاورزی، صنعت و خدمات باعث پیشرفت و توسعه اقتصادی کشور خواهند شد.

۵. الگوی پخش جمعیت: جمعیت در سطح سیاره زمین به‌طور متعادل پخش نیست. با توجه به الگوی نامتعادل پخش جمعیت در سطح فضای یک کشور که مبین بی‌عدالتی جغرافیایی و اجتماعی در دسترسی به منابع و فرصت‌های توسعه و نیز تبدیل کشور به دو فضای مرکز و پیرامون است و خطر بروز کشمکش و تضادهای درون ملی را به‌دنبال دارد، دولت‌ها مدعی هستند که سعی می‌کنند از طریق اتخاذ سیاست‌های آمایشی و توزیع متعادل‌تر منابع و فعالیت در پهنه سرزمین، نسبت به توزیع متعادل‌تر جمعیت و تحقق عدالت جغرافیایی در آن اقدام کنند و از توسعه قطب‌های سرطانی توسعه در کنار مکان‌ها و فضاها عقب‌مانده پیشگیری نمایند. البته برنامه‌ها و سیاست‌های آمایشی تلاش می‌کنند تا به الگوی متعادل‌تری از پخش جمعیت، منابع و فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی در پهنه سرزمین برسند و از این طریق فرصت‌های توسعه را در جهت حذف بی‌عدالتی جغرافیایی، به‌صورت متعادل‌تری در سطح کشور منتشر نمایند تا امکان دسترسی بیشتر به فرصت‌های مساوی توسط شهروندان و سکنه سرزمین فراهم آید (حافظ‌نیا، ۱۴۰۱: ۲۴۵).



۶. حرکات جمعیت (مهاجرت): یکی از جنبه‌های حرکت جمعیت میزان رشد طبیعی آن است که تحت تأثیر متغیرهایی نظیر تولد، مرگ‌ومیر، ازدواج و طلاق رخ می‌دهد و تعداد جمعیت کشور را زیاد و کم می‌نماید. جنبه دیگر حرکت جمعیت جابجایی مکانی یا مهاجرت است که در دو مقیاس داخلی (درون کشوری) و خارجی (بین‌المللی) رخ می‌دهد. مهاجرت نیز تعداد جمعیت مکان و فضای جغرافیایی را کم‌وزیاد می‌نماید و بازتاب‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی را در مکان و فضا به همراه دارد. مهاجرت‌ها همان‌طور که ممکن است به ضعف اقتصادی مبدأ مهاجرت و تقویت اقتصادی مقصد مهاجرت از طریق تأثیرگذاری بر روی نیروی کار و بازار مصرف کمک نمایند، می‌توانند از طریق عوارض اجتماعی- اقتصادی و نیز بسته به نوع جامعه مهاجرفرست و مهاجرپذیر به تقویت اقتصادی مبدأ و تضعیف مقصد کمک نمایند.

۷. شاخه‌های تخصصی جغرافیای سیاسی

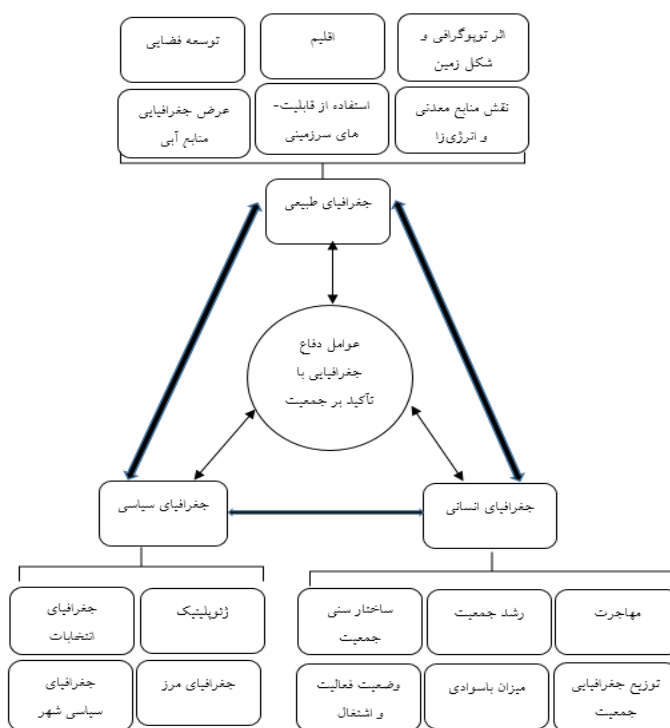
۱. «ژئوپلیتیک»^۱: یکی از شاخه‌های تخصصی جغرافیای سیاسی است که درباره موضوع و مفهوم آن طیفی از دیدگاه‌های متفاوت مطرح شده است. از دید حافظ نیا تعریف علمی ژئوپلیتیک در قالب یک مفهوم ترکیبی تبیین‌پذیر است که در آن سه عنصر اصلی جغرافیا، قدرت و سیاست خصلت ذاتی دارند. ترکیب سه متغیر جغرافیا، قدرت و سیاست و پدیده‌ها و الگوهای رفتاری گروه‌های متشکل انسانی را نسبت به یکدیگر تعیین می‌کنند که آن‌ها را در کنش‌های رفتاری مختلف همانند نوسان قدرت، رقابت، همگرایی، واگرایی، نفوذ، بحران، سلطه، زیر سلطه، ائتلاف، صلح، همکاری، جنگ، امنیت، آرامش و ثبات، بازرگانی و دادوستد و غیر آن می‌توان پی گرفت.
۲. «جغرافیای انتخابات»^۲: طی چند دهه اخیر جغرافیای انتخابات به عنوان زیرمجموعه دانش جغرافیای سیاسی کندوکاو گسترده‌ای در قلمرو مفاهیم دموکراسی، مشارکت، خاستگاه آراء، وزن مکانی حوزه‌های انتخاباتی، نقش مکان‌ها و ... داشته است.

1. Geopolitics

2. Electoral Geography

۳. «جغرافیای مرز»^۱: تا اوایل دهه ۱۹۶۰ که جغرافیای سیاسی تحت تأثیر مطالعات کالبدی واحدهای سیاسی به‌ویژه کشور قرار داشت موضوع کشمکش‌های مرزی توجه زیادی به خود جلب کرده بود.

۴. «جغرافیای سیاسی شهر»^۲: جغرافیای سیاسی شهر به بررسی کارکرد نهادها، سازمان‌ها و جنبش‌های اجتماعی در شکل‌گیری مناسبات فضایی شهر می‌پردازد. فرایندها و پیامدهای فضایی برخاسته از تعامل میان سه عنصر سیاست، شهروندان و شهر را بررسی می‌کند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱).



نمودار ۱: مدل مفهومی عوامل دفاع جغرافیایی با تأکید بر جمعیت



۸. تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

در این پژوهش به منظور تبیین دقیق علل و عوامل مهم مؤثر بر کارکردهای آمایش سرزمینی در دفاع جغرافیایی با تأکید بر جمعیت و پاسخ به سؤال: «کارکرد آمایش سرزمینی در دفاع جغرافیایی با تأکید بر جمعیت چیست؟» علاوه بر مطالعه ادبیات و بررسی اسناد و مدارک علمی، حجم نمونه‌ای از جامعه خبره در حوزه آمایش سرزمینی و جغرافیای طبیعی انتخاب و با طرح گویه‌های مرتبط با پژوهش، نقطه نظرات آنان احصا و مورد تجزیه و تحلیل آماری (توصیفی و استنباطی) قرار گرفت. روش تجزیه و تحلیل در این پژوهش کیفی و کمی است که ضمن مطالعه اسناد و مقالات و همچنین اخذ آرای خبرگان و صاحب‌نظران از طریق مصاحبه شاخص‌های هر مؤلفه احصا و در نهایت تمامی سؤالات اصلی و فرعی مورد تجزیه و تحلیل و تفسیر قرار گرفته است. پس از احصای عامل‌های حاصل از مطالعات کتابخانه‌ای و مصاحبه با صاحب‌نظران، طی جلسات خبرگی با کارشناسان و متخصصان حوزه‌های نظامی و جغرافیای طبیعی و با بررسی عامل‌های احصاء شده حاصل از مطالعات کتابخانه‌ای و مصاحبه با خبرگان، عامل‌های شناسایی شده حاصل از مطالعات کتابخانه‌ای و مصاحبه‌ها ادغام و در نهایت، عوامل دفاع جغرافیایی مبتنی بر جمعیت، ۲۴ عامل تعیین که ۱۸ عامل در محیط ملی و ۶ عامل در محیط فراملی، به شرح ذیل تعیین شد که با روش نشست خبرگی مبتنی بر تعداد و تکرار گویه‌ها از سوی مصاحبه‌شوندگان تعیین و میزان اهمیت هر یک از عوامل با استفاده از طیف لیکرت تعیین و میزان اهمیت عامل‌ها در ستون مربوطه درج گردید. در همین راستا، عوامل دفاع جغرافیایی مبتنی بر جمعیت در سه بخش: جغرافیای انسانی، جغرافیای طبیعی و جغرافیای سیاسی تقسیم‌بندی شده است. براساس تجزیه و تحلیل به عمل آمده و به استناد به نظر خبرگان عوامل مؤثر بر بُعد جغرافیای طبیعی در دو محیط ملی و فراملی به شرح زیر تفسیر می‌گردد:

جدول ۱: اولویت عوامل جمعیت مؤثر بر دفاع جغرافیایی در محیط ملی

ردیف	عامل	میزان اهمیت عامل
۱	طراحی نقشه (ساخت و بافت) شهری	۴/۵
۲	وضعیت نقش‌های ارتباطی	۴/۵
۳	اجرای مکان‌یابی و جایگزینی شهرها	۴/۴
۴	تدوین برنامه‌ریزی‌های زیربنایی شهر	۴/۳
۵	وجود الگوی پراکنش و توزیع فضایی شهرها	۴/۳
۶	مکان‌یابی نوشهرها	۴/۳
۷	توسعه فیزیکی سکونت‌گاه‌های شهری و تعیین سمت توسعه آن‌ها	۴/۱
۸	فلات‌ها، کوه‌ها و تپه‌ها، چاله‌ها و دره‌ها، دشت‌های مسطح (پدیلین)، دشت‌های پایکوهی، جلگه‌ها و سواحل، ارتفاع و شیب زمین، رودخانه‌ها و مسیل‌ها و ...	۴/۱
۹	نوع شهرها	۴
۱۰	توجه به واحدهای ژئومورفولوژی	۳/۹
۱۱	استقرار و پیدایش شهرها براساس واحدهای ژئومورفولوژیک	۳/۸
۱۲	تعداد سیل، زمین‌لغزه، ریزش‌های سنگی و ...	۳/۷
۱۳	شاخص اقلیم دفاعی در مکان‌گزینی شهرها	۳/۷
۱۴	نوع محیط طبیعی	۳/۶
۱۵	وضعیت مناطق خشک و کویری	۳/۵
۱۶	وضعیت مناطق جنگلی	۳/۴
۱۷	وضعیت اماکن خوش آب‌وهوا و سهل‌الوصول در اطراف مرزها و داخل کشور	۳/۳
۱۸	وضعیت اماکن صعب‌العبور و کوهستانی در اطراف مرزها و داخل کشور	۳/۲
	میانگین بُعد جغرافیای طبیعی در محیط ملی	۳/۹



۱. عامل «وضعیت اماکن صعب‌العبور و کوهستانی در اطراف مرزها و داخل کشور» برای گسترش جمعیت مناسب نیست و به‌عنوان عوارض پدافندی در اطراف مرزها محسوب می‌شوند و میزان تأثیرگذاری آن ۶۴ درصد بر دفاع جغرافیای طبیعی در محیط ملی مؤثر است.
۲. عامل «وضعیت اماکن خوش آب‌وهوا و سهل‌الوصول در اطراف مرزها و داخل کشور» باعث تجمع جمعیت برای زندگی می‌گردد و میزان تأثیرگذاری آن ۶۶ درصد بر دفاع جغرافیای طبیعی در محیط ملی مؤثر است.
۳. عامل «وضعیت مناطق جنگلی» محلی برای سکونت و یا عدم سکونت جمعیت است و میزان تأثیرگذاری آن ۶۸ درصد بر دفاع جغرافیای طبیعی در محیط ملی مؤثر است.
۴. عامل «وضعیت مناطق خشک و کویری» به‌عنوان عوارض پدافندی و دفاعی محسوب می‌شود و میزان تأثیرگذاری آن ۷۰ درصد بر دفاع جغرافیای طبیعی در محیط ملی مؤثر است.
۵. عامل «توجه به واحدهای ژئومورفولوژی» باعث شناخت بیشتر از عوارض طبیعی می‌گردد و میزان تأثیرگذاری آن ۷۸ درصد بر دفاع جغرافیای طبیعی در محیط ملی مؤثر است.
۶. عامل «استقرار و پیدایش شهرها براساس واحدهای ژئومورفولوژیک» از عوامل مهم جغرافیایی است و میزان تأثیرگذاری آن ۷۶ درصد بر دفاع جغرافیای طبیعی در محیط ملی مؤثر است.
۷. عامل «تعداد سیل، زمین‌لغزه، ریزش‌های سنگی و ...» در زندگی شهری و فعالیت‌های شهروندان مؤثر است و میزان تأثیرگذاری آن ۷۴ درصد بر دفاع جغرافیای طبیعی در محیط ملی مؤثر است.
۸. عامل «تدوین برنامه‌ریزی‌های زیربنایی شهر» میزان تأثیرگذاری آن ۸۶ درصد بر دفاع جغرافیای طبیعی در محیط ملی مؤثر است.

۹. عامل «اجرای مکان‌یابی و جایگزینی شهرها» در ارگانیزم جابجایی جمعیت شهر و غیره نقش انکارناپذیری دارد و تأثیرگذاری آن ۸۸ درصد بر دفاع جغرافیای طبیعی در محیط ملی مؤثر است.
۱۰. عامل «توسعه فیزیکی سکونت‌گاه‌های شهری و تعیین سمت توسعه آن‌ها» بر توسعه فیزیکی سکونت‌گاه‌های شهری و تعیین سمت توسعه آن‌ها مؤثر است و میزان تأثیرگذاری آن ۸۲ درصد بر دفاع جغرافیای طبیعی در محیط ملی مؤثر است.
۱۱. عامل «وجود الگوی پراکنش و توزیع فضایی شهرها» باعث نقش‌پردازی در الگوی پراکنش و توزیع فضایی شهرها، حوزه نفوذ و ارتباط نقاط شهری می‌گردد و میزان تأثیرگذاری آن ۸۶ درصد بر دفاع جغرافیای طبیعی در محیط ملی مؤثر است.
۱۲. عامل «طراحی نقشه (ساخت و بافت) شهری» از عوامل مهم جغرافیایی است و میزان تأثیرگذاری آن ۹۰ درصد بر دفاع جغرافیای طبیعی در محیط ملی مؤثر است.
۱۳. عامل «فلات‌ها، کوه‌ها و تپه‌ها، چاله‌ها و دره‌ها، دشت‌های مسطح (پدپلین)، دشت‌های پایکوهی، جلگه‌ها و سواحل، ارتفاع و شیب زمین، رودخانه‌ها و مسیل‌ها و ...» از جمله عمده‌ترین واحدهای ژئومورفولوژی و ناهمواری‌ها هستند و میزان تأثیرگذاری آن ۸۲ درصد بر دفاع جغرافیای طبیعی در محیط ملی مؤثر است.
۱۴. عامل «نوع شهرها» در میزان رشد جمعیت مؤثر است و میزان تأثیرگذاری آن ۸۰ درصد بر دفاع جغرافیای طبیعی در محیط ملی مؤثر است.
۱۵. عامل «مکان‌یابی نوشهرها»، براساس یک سری انگیزه‌ها، ملاک‌ها و همپارهای خاص و به‌منظور رفع نیازمندی‌های زمان انجام می‌گردد و میزان تأثیرگذاری آن ۸۶ درصد بر دفاع جغرافیای طبیعی در محیط ملی مؤثر است.
۱۶. عامل «وضعیت نقش‌های ارتباطی» از مهم‌ترین انگیزه‌های جایگزینی شهرها در ناهمواری‌های خاص است و تأثیرگذاری آن ۹۰ درصد بر دفاع جغرافیای طبیعی در محیط ملی مؤثر است.



۱۷. عامل «نوع محیط طبیعی» در میزان تراکم جمعیت مؤثر بوده و میزان تأثیرگذاری آن ۷۲

درصد بر دفاع جغرافیای طبیعی در محیط ملی مؤثر است.

۱۸. عامل «شاخص اقلیم دفاعی در مکان گزینی شهرها» تأثیر جمعی هم‌زمان کلیه عوامل

مؤثر بر احساس آسایش را یکجا نشان می‌دهند و میزان تأثیرگذاری آن ۷۴ درصد بر

دفاع جغرافیای طبیعی در محیط ملی مؤثر است.

جدول ۲: اولویت عوامل جمعیت مؤثر بر دفاع جغرافیایی در محیط فراملی

ردیف	عامل	میزان اهمیت عامل
۱	نقش امنیتی، دفاعی و نظامی واحدهای ژئومورفیک	۴/۲
۲	استقرار کشور در منطقه خاورمیانه	۴/۲
۳	خصیصه ذاتی ایران و مخاطرات محیطی	۴/۱
۴	استقرار کشور در منطقه هارتلند	۴/۱
۵	میزان دسترسی به آب‌های آزاد و بین‌المللی	۴/۱
۶	نقش‌های اقتصادی	۴
	میانگین بعد جغرافیای طبیعی در محیط فراملی	۴/۱

۱. عامل «خصیصه ذاتی ایران و مخاطرات محیطی» باعث شکنندگی منطقه گردیده و میزان

تأثیرگذاری آن به میزان ۸۲ درصد بر دفاع جغرافیای طبیعی در محیط فراملی مؤثر

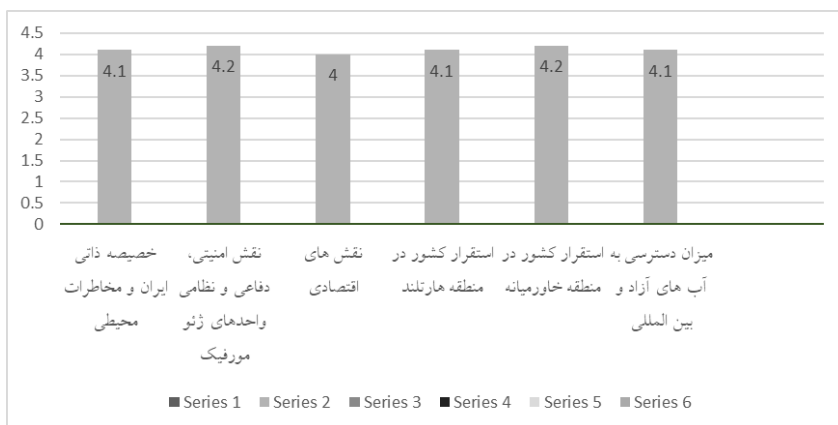
است.

۲. عامل «نقش امنیتی، دفاعی و نظامی واحدهای ژئومورفیک» همواره موردتوجه هستند

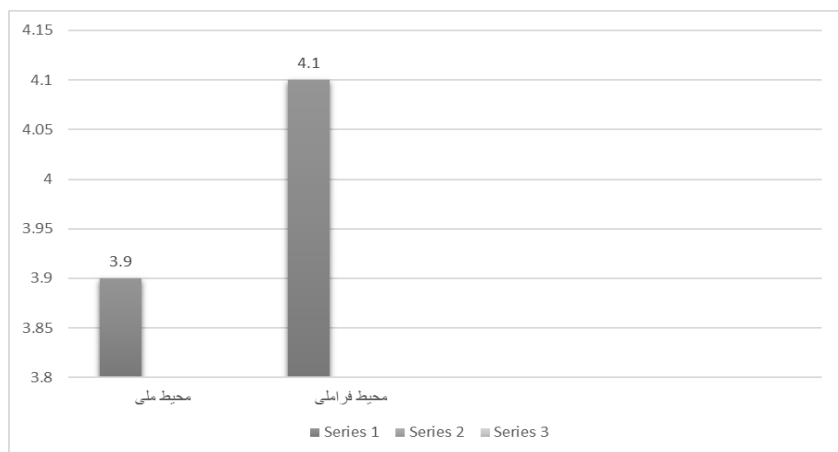
و میزان تأثیرگذاری آن به میزان ۸۴ درصد بر دفاع جغرافیای طبیعی در محیط فراملی

مؤثر است.

۳. عامل «نقش‌های اقتصادی» در تغییر پتانسیل‌های اقتصادی و معیشتی مؤثر بوده و میزان تأثیرگذاری آن به میزان ۸۰ درصد بر دفاع جغرافیای طبیعی در محیط فراملی مؤثر است.
۴. عامل «استقرار کشور در منطقه هارتلند» موقعیت ویژه‌ای برای کشور ایجاد کرده و میزان تأثیرگذاری آن به میزان ۸۲ درصد بر دفاع جغرافیای طبیعی در محیط فراملی مؤثر است.
۵. عامل «استقرار کشور در منطقه خاورمیانه» همواره دارای منازعه و رقابت‌های منطقه‌ای و نیز مورد توجه قدرت‌های بزرگ و فرا منطقه‌ای بوده و میزان تأثیرگذاری آن به میزان ۸۴ درصد بر دفاع جغرافیای طبیعی در محیط فراملی مؤثر است.
۶. عامل «میزان دسترسی به آب‌های آزاد و بین‌المللی» باعث رونق اقتصادی و ... می‌شود و از سویی با حضور نظامی باعث اقتدار ملی کشور می‌شود و میزان تأثیرگذاری آن به میزان ۸۲ درصد بر دفاع جغرافیای طبیعی در محیط فراملی مؤثر است.



نمودار ۲: ضریب اهمیت عوامل بُعد جغرافیایی در محیط فراملی



نمودار ۳: مقایسه میانگین ضریب اهمیت عوامل بُعد اقتصادی در محیط های ملی و فراملی

نتیجه گیری و پیشنهاد

از آنجایی که ابعاد و مؤلفه های دفاع جغرافیایی بسیار وسیع است، لذا در این تحقیق به شناسایی عوامل دفاع جغرافیایی در دو محیط ملی و فراملی پرداخته شده است.

۱. عامل جمعیت، مهم‌ترین رکن در دفاع جغرافیایی است و توزیع مناسب آن در آمایش سرزمینی ایران، در کنار تقویت حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و ... باعث تقویت حوزه دفاعی و نظامی است.
۲. آمایش سرزمین به‌منظور ایجاد رابطه منطقی بین توزیع جمعیت و انجام فعالیت‌ها در پهنه سرزمین با توجه به ویژگی‌های فضایی مناطق کشور است.
۳. برنامه‌ریزی آمایش با بررسی و مطالعه خصوصیات و ویژگی‌های کلی فضای جامعه و بازیافت قابلیت‌ها در نواحی مختلف راه‌حلی برای ایجاد توزیع مناسب الگوهای توسعه و استقرار فعالیت‌های موردنظر اجتماعی، فرهنگی، دفاعی و ... در جامعه مطرح می‌کند.
۴. باتوجه به موقعیت ژئوپلیتیکی ایران در منطقه، توجه به آمایش سرزمین علاوه بر مناطق داخلی، در نواحی ساحلی و جزایر باعث تقویت استراتژی نظامی و دکترین دفاعی آن می‌شود.

پیشنهادهای پژوهش

- ✓ سازمان پدافند غیرعامل کشور به‌عنوان متولی دفاع غیرنظامی با بهره‌گیری از نتایج این تحقیق، نسبت به لحاظ نمودن موارد احصا شده در دفاع غیرنظامی کشور اقدام نماید.
- ✓ برنامه‌ریزی برای توزیع جمعیت مناسب در مناطق سواحل جنوبی و جنوب‌شرقی کشور و استفاده از موقعیت‌های مهم و ژئوپلیتیکی آن مناطق توسط مبادی مربوطه صورت پذیرد.
- ✓ وزارت امور خارجه ج.ا.ایران به‌منظور تعامل با کشورهای همسایه در جهت رفع مشکلات آبی و مشکلات زیست‌محیطی از نتایج این تحقیق در بخش دفاع جغرافیایی استفاده نماید.
- ✓ از طریق مراکز علمی و دانشگاهی توسط محققین، نسبت به موضوعات مرتبط با کارکرد آمایش سرزمین در دفاع (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ...) با تأکید بر



جمعیت به‌ویژه در مناطق ساحلی و جنوبی کشور کار پژوهشی و علمی صورت گیرد.

✓ نسبت به احصای نواقص و محدودیت‌های مرتبط با آمایش سرزمینی ج.ا.ایران و ارائه راهکارهای اثربخش، فعالیت‌های پژوهشی و علمی صورت گیرد.

فهرست منابع

- اخباری، محمد؛ فخری، سیروس و همکاران (۱۴۰۰)، *تدوین و تبیین اصول و ملاحظات دفاعی-امنیتی مؤثر در طرح‌های توسعه ملی*، مرکز مطالعات راهبردی آجا، گروه مطالعاتی تحولات ساختاری، سازمانی و آمایشی.
- پاپلی یزدی، محمدحسین (۱۳۶۵)، *تعریف مفهوم و دیدگاهی تازه از جغرافیا*، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱.
- تقوی، نعمت‌الله، (۱۳۸۸)، *جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی*، نشر آیدین.
- توفیق، فیروز (۱۳۸۴)، *مؤلفه‌ها و ویژگی‌های توان نظامی مؤثر بر آمایش دفاع سرزمینی در مقابله با تهدیدات نظامی*، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال بیستم، شماره ۸۰.
- توفیق، فیروز (۱۳۸۴)، *آمایش سرزمین، تجربه جهانی و انطباق آن با وضع ایران*، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران.
- جوان، جعفر (۲۰۰۶)، *جغرافیای جمعیت ایران*، مشهد: جهاد دانشگاهی.
- حافظنیا، محمدرضا (۱۳۹۳)، *رویکردی جدید به تاریخ پیدایش و بنیان‌گذار جغرافیای سیاسی در جهان*، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دهم، شماره اول.
- حافظنیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*، مشهد: انتشارات پاپلی.
- حافظنیا، محمدرضا (۱۴۰۱)، *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*، انتشارات پاپلی، چاپ چهارم.
- حسن‌پور، حمید (۱۴۰۱)، *طرح راهبردی ارتقای وزن ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر خلیج فارس و دریای عمان*، رساله دکتری دانشگاه عالی دفاع ملی.
- دری نورگورانی، حسین و همکاران (۱۳۹۸)، *مقاله طراحی راهبردهای دفاع اقتصادی برگرفته از رهنمودها و اسناد ابلاغی مقام معظم رهبری*، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، سال هفدهم، شماره ۷۶.
- رهبری، صابر؛ خدایی، زهرا (۱۳۹۹)، *موانع و چالش‌های سرزمینی ایران*، انتشار در اولین کنفرانس بین‌المللی معماری، عمران، محیط زیست و کشاورزی.
- زمانی، فریبا (۱۳۸۸)، *اهمیت جمعیت‌شناسی در برنامه‌ریزی‌های آمایش سرزمین (با تأکید بر مطالعه مهاجرت‌های استانی)*، فصلنامه جمعیت، شماره ۶۹.



- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۶۳)، *مطالعات طرح پایه آمایش سرزمین اسلامی ایران*، تهران: دفتر برنامه ریزی منطقه‌ای، دو کتاب (۴ جلد).
- سعیدی، علی؛ کلاری، بشیر (۱۳۹۳)، *ملاحظات دفاعی امنیتی در آمایش مناطق مرزی، مطالعه موردی (جزایر هرمز، هنگام و لارک)*، فصلنامه جغرافیای نظامی و انتظامی.
- سلیمانی سوادکوهی، شاهرخ (۱۳۹۷)، *ژئوپلیتیک ایران عاملی برای توسعه قدرت ملی و تهدیدی مستمر در طول تاریخ*، انتشارات دافوس آجا.
- شریف‌زادگان، محمدحسین؛ رضوی دهکردی، سید امیر (۱۳۸۹)، *ارزیابی فرایند برنامه‌ریزی آمایش سرزمین در ایران و راهکارهای بهبود آن*، فصلنامه علوم محیطی سال هفتم، شماره ۴.
- شمس دولت‌آبادی، سید محمود؛ ادریسیان، محمد (۱۳۹۷)، *تدوین راهبردهای دفاع همه‌جانبه در حوزه فرهنگی*، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، سال شانزدهم، شماره ۷۴.
- صفوی، رحیم؛ جمشیدی، مهدی (۱۳۸۷)، *تأثیر ویژگی‌های ژئوپلیتیکی عشایر بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، شماره ۳۱ و ۳۲.
- عزتی، عزت‌الله؛ خضری، محمدحسن؛ نیک‌فرجام، محبوبه (۱۳۹۰)، *تحلیلی بر هیدروپلیتیک شرق ایران*، فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، شماره ۱، دوره ۴.
- عزتی، عزت‌الله (۱۳۹۷)، *ژئوپلیتیک*، چاپ سیزدهم، تهران: انتشارات سمت.
- عزتی، عزت‌الله (۱۳۷۳)، *ژئواستراتژی و قرن بیست و یکم*، تهران: انتشارات سمت.
- عظیمی بلوریان، احمد (۱۳۸۸)، *مفهوم آمایش سرزمین در برنامه‌ریزی توسعه: خاستگاه‌ها، سیر تکاملی و تجربه ایران*، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- علیئی، محمدولی (۱۳۹۴)، *نقش جمعیت و سیاست‌های جمعیتی در استحکام ساخت درونی قدرت نظام جمهوری اسلامی ایران*، مجله آفاق امنیت، شماره ۲۸، دوره ۸.
- کیانی، سورنا (۱۳۹۹)، *مفهوم‌شناسی دفاع، بازدارندگی، دشمن و دفاع همه‌جانبه از دیدگاه قرآن کریم*، انتشارات دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی.
- مؤمنی، مصطفی (۱۳۸۲)، *اشاره‌ای به خصلت میان‌دانشی آمایش سرزمین و جایگاه آن در جغرافیا (قسمت سوم)*، مجله رشد آموزش جغرافیا، شماره ۶۴.

- نوذری، فضل‌الله (۱۳۹۶)، *تأثیر عوامل طبیعی و انسانی کشورهای حوزه دریای عمان بر تدوین راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران*، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، دانشگاه عالی دفاع ملی، سال پانزدهم، شماره ۶۷.
- نصیری هندخاله، اسماعیل؛ حکیم‌زاده، آمنه (۱۳۹۶)، *ارزیابی جایگاه آمایش سرزمین ایران، موانع پیش‌رو و راهبردهای عملی*، اولین همایش اندیشه‌ها و فناوری‌های نوین در علوم جغرافیایی زنجان.
- یزدان‌پناه درو، کیومرث (۱۳۹۷)، *نقش تطبیقی آمایش سرزمین در تبیین رابطه جغرافیا با توسعه با تأکید بر نواحی خاص مرزی، ساحلی جنوب ایران*، فصلنامه علمی-پژوهشی جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، سال هشتم، شماره ۳.

References

- Matthews, John A. & David T. Herbert (2004), *Unifying Geography, Common Heritage, Shared Future*, Routledge, London and New York.